

بررسی تغییرناپذیرهای طبیعت و اسامی خاص در قرآن بر اساس طبقه‌بندی وینوگرادوف با تکیه بر ترجمه روسی کولی‌یف

مهنوش اسکندری*

استادیار زبان روسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۱۷)

چکیده

ترجمه متون دینی، به ویژه قرآن، یعنی کتابی که در فصاحت و بلاغت سرآمد تمام متون است، بسیار دشوار می‌باشد، حال اگر مترجم در برگردان این کتاب مقدس به تغییرناپذیرها برخورد کند، این کار پیچیده‌تر خواهد شد. مترجم باید پیش از ترجمه به شناخت و نحوه مواجهه با آن‌ها بپردازد؛ چراکه در صورت اتخاذ رویه نامناسب در ترجمه، از آنجا که خواننده روس با متن قرآن آشنایی ندارد، برداشت و تصور نادرستی از آیات قرآن در ذهن او ایجاد خواهد شد. در این مقاله برآنیم ابتدا با تغییرناپذیرهای زبانی و راه‌های برگرداندن آن‌ها آشنا شویم. سپس به بررسی برگردان بیست مورد از تغییرناپذیرها در ترجمه روسی کولی‌یف خواهیم پرداخت. خواهیم دید مترجم نتوانسته چنان‌که شایسته است، حق مطلب را ادا کند و فهم آیات را برای روس‌زبانان غیرممکن ساخته است. شناخت راه‌های مواجهه با تغییرناپذیرها و اتخاذ رویه یکسان در برگردان آن‌ها می‌تواند به جلوگیری از این مسئله کمک شایانی کند.

واژگان کلیدی: قرآن، تغییرناپذیرها، برگردان تغییرناپذیرها، زبان روسی.

* Email: M_eskandary@ut.ac.ir

مقدمه

درباره ترجمه، ماهیت و خصوصیات آن نظریات متفاوتی وجود دارد و صاحب نظران با تکیه بر مکتبی که بدان وابسته‌اند، آن را به گونه‌های متفاوتی توصیف کرده‌اند. برخی صاحب نظران که طرفدار نظریه نسبیّت زبانی هستند، ترجمه را به طور کلی کاری غیر ممکن می‌دانند. در نظر این عده، زبان است که اندیشه و فرهنگ هر ملت را می‌سازد و آنچه یک فرانسوی‌زبان از واقعیت و جهان پیرامون خود درک می‌کند، با برداشت یک روسی‌زبان یا فارسی‌زبان از همان واقعیت کاملاً متفاوت است و به این ترتیب، ترجمه غیر ممکن می‌نماید. برخلاف این دسته، ساختگرایان معتقدند که این زبان نیست که اندیشه و فرهنگ ملت را شکل می‌دهد، بلکه زبان تنها عاملی است که انسان‌ها به مدد آن اندیشه خود را انتقال می‌دهند؛ به عبارت دیگر، واقعیت و جهان پیرامون تمام ملت‌ها یکسان است و تنها زبان‌هایی که به یاری آن‌ها این واقعیت یکسان تبیین می‌شود، متفاوت است. به این صورت است که ساختگرایان ترجمه را امری ممکن می‌دانند.

آنچه مسلم است اینکه نمی‌توان نظر هر دو گروه را کاملاً پذیرفت و یا کاملاً مطرود دانست؛ چراکه هر متنی را به طور کامل نمی‌توان ترجمه‌پذیر و یا به طور کامل ترجمه‌ناپذیر خواند. تمام مترجمان در ترجمه همواره با مشکلاتی روبه‌رو هستند که زائیده تفاوت در ساختار زبان و فرهنگ ملت‌هایی است که به این زبان‌ها سخن می‌گویند و اینجاست که ترجمه‌ناپذیرها در ترجمه رخ می‌نمایند و هرچه ساختار و فرهنگ دو زبان از هم دورتر باشد، این مشکلات نیز بیشتر خواهند بود. مترجم در برگردان تمام متون، به‌ویژه متون ادبی و دینی - مذهبی به ترجمه‌ناپذیرها برمی‌خورد. ترجمه‌ناپذیرها انواعی دارند که یکی از آن‌ها، ترجمه‌ناپذیرهای زبانی است و یکی از انواع ترجمه‌ناپذیرهای زبانی، تغییرناپذیرها هستند.

در این مقاله، ابتدا به تعریف و طبقه‌بندی تغییرناپذیرها خواهیم پرداخت و آنگاه تعدادی از تغییرناپذیرهای قرآن را در ترجمه روسی کولی‌یف بررسی خواهیم کرد و به

این سؤال پاسخ خواهیم داد که مترجم با چه روشی به برگردان تغییرناپذیرهای طبیعت پرداخته است. به نظر می آید که به دلیل نداشتن آشنایی کامل مترجم با زبان عربی در برگردان آن‌ها اشکالاتی وجود داشته باشد و کولی یف نیز مانند هر مترجم دیگری در برگردان تغییرناپذیرها عمدتاً از انتقال صوری (transcription) ، (و عام سازی) - سود جسته باشد.

۱. پیشینه پژوهش

در زبان روسی، پژوهش‌هایی در زمینه شناسایی و طبقه‌بندی تغییرناپذیرها انجام شده است که از جمله آن‌ها پژوهش‌های «سابالووا» می‌باشد. وی نخستین کسی بود که در اوایل دهه پنجاه در تحقیقات خود از «تغییرناپذیرها» سخن به میان آورد (& 16: 1980). دومین کسی که با نام دیگری از این مفهوم در نوشته‌های خود استفاده کرد، «چرنوف» بود (223: 1958) ، او برای این مفهوم، اصطلاح «واژگان بدون معادل» را برگزید و با ارجاع به رساله شاتکوف و آثار فنودوروف، کلر، رتسکر و الکسی یف از این عنوان استفاده کرد. می‌توان گفت نخستین کسی که در یکی از مقاله‌های خود تغییرناپذیرها را از نظر زبان‌شناسی مطالعه کرد، «سوپرون» بود (34: 1952) ، اما نخستین کسی که تغییرناپذیرها را در ترجمه و برگردان از زبانی به زبان دیگر بررسی کرد، «روسلس» بود (16: 1980) ، & .

در زبان فارسی، این مقوله چندان مورد توجه صاحب‌نظران و پژوهشگران قرار نگرفته است، اما مختاری اردکانی در کتاب *هنده گفتار در اصول، روش و نقد ترجمه*، مقاله‌ای را در این زمینه ترجمه کرده است (ر.ک؛ مختاری اردکانی، ۱۳۷۶: ۴۵). افرادی مانند وینوگرادوف، ولاخوف و فلورین به طبقه‌بندی تغییرناپذیرها همت گماشته‌اند که در این مقاله، طبقه‌بندی وینوگرادوف ملاک کار ما قرار گرفته است.

۲. ضرورت پژوهش

قرآن کریم به عنوان مهم‌ترین کتاب آسمانی مسلمانان شناخته می‌شود. در این کتاب مقدس، اسامی، کلمات و عباراتی به کار رفته‌است که جزء تغییرناپذیرها به شمار می‌آیند. ضرورت ترجمه صحیح این کتاب آسمانی برای انتقال صحیح و به تبع آن، تفسیر و برداشت‌های صحیح از آن، امری مسلم به شمار می‌آید. در این مقاله نیز سعی شده‌است تغییرناپذیرها تعریف شوند و طبقه‌بندی آن‌ها به همراه روش‌های مواجهه صحیح با آن‌ها ارائه شود تا راه بر خطاهای احتمالی این کتاب آسمانی در ترجمه بسته شود.

۳. بحث و بررسی

اولین آشنایی مردم روسیه با دین اسلام به قرن نهم میلادی بازمی‌گردد که این امر به واسطه ترجمه‌های مسیحیان صورت پذیرفت. با گسترش روابط دیپلماتیک و تجاری روس‌ها با کشورهای مسلمان‌نشین، شناخت روس‌ها از این دین آسمانی، آداب و سنن، اعتقادات و باورهای مسلمانان به تدریج بیشتر و بیشتر شد. بدین ترتیب، از آن زمان به بعد گردآوری، بررسی، ترجمه و تجزیه و تحلیل متون مذهبی مسلمانان، به‌ویژه ترجمه قرآن سرعت خارق‌العاده‌ای به خود گرفت و این امر در قرون پانزدهم تا هفدهم میلادی به شکل علمی و نظام‌مند انجام می‌شد.

نیاز به آشنایی بیشتر با اسلام و مهم‌ترین مرجع دینی مسلمانان، یعنی قرآن، در زمان پتر کبیر احساس شد و این کتاب آسمانی به دستور او و به دست «پاستینکوف» ترجمه شد. قرآن ترجمه شده به فرمان پادشاه در سال ۱۷۱۶ میلادی، نه با عنوان قرآن، بلکه با نام دیگری یعنی «قرآن درباره محمد یا قانون ترک‌ها» به چاپ رسید (

، شایان ذکر است که این ترجمه بر اساس ترجمه فرانسوی قرآن که به دست «آندره دیوریه» انجام شده بود و به سال ۱۶۴۷ در پاریس به چاپ رسیده بود، صورت پذیرفت (77: 1984, &).

بنا به گفته افیم آناتولیچ رضوان، اسلام‌شناس روس، چاپ قرآن در روسیه در زمان امپراطوری کاترین کبیر بیش از هر دوره دیگری انجام می‌شد و امپراطور به مدد این کار، خود را حامی اسلام و مسلمانان نشان می‌داد (2004: 402).

مسلمانان تا تاریخ پانزدهم دسامبر سال ۱۸۰۰ میلادی برای چاپ و انتشار کتب دینی خود در امپراطوری روسیه با محدودیت‌هایی مواجه بودند که پس از لغو این محدودیت‌ها، به سرعت کار چاپ کتب دینی، به ویژه قرآن از سر گرفته شد؛ برای مثال در سال‌های ۱۸۰۲ تا ۱۸۰۶ میلادی، در چاپخانه‌ای که در شهر قازان تأسیس شده بود، بیش از ۳۵۰۰ نسخه متن کامل قرآن به زبان عربی به چاپ رسید. در آن زمان، حکومت نیازی به برخورد و متوقف کردن این کار نمی‌دید. دلیل این امر آن بود که قرآنی که به زبان عربی و نه به زبان مردم روسیه منتشر می‌شد، خطری برای حاکمان آن دوره به شمار نمی‌آمد و چاپ چنین قرآنی در واقع، یک تجارت بود و نه تبلیغ دین اسلام در روسیه (1884: 46).

از سویی، نظریه ترجمه‌ناپذیری قرآن که از سوی سردمداران حکومت به مردم تحمیل می‌شد و از سوی دیگر، تأثیر بسزای این کتاب آسمانی بر زندگی مسلمانان منجر به این امر شد که قرآن برای کسانی که به ترویج دین مقدس اسلام می‌پرداختند، مبدل به ابزاری سیاسی، ایدئولوژیک و اقتصادی شود و این افراد گاهی با سوء استفاده از تسلط نداشتن مسلمانان به زبان عربی، این کتاب آسمانی را به گونه‌ای که به نفع خود و رسیدن به اهداف شوم خود بود، تفسیر می‌کردند.

هر گونه تلاش برای ترجمه قرآن به زبان‌های رایج در روسیه به بهانه اینکه هیچ کس حق دست بردن در محتوای کتاب مقدس را ندارد، با مخالفت روحانیون به ظاهر مسلمان مواجه می‌شد؛ چرا که آن‌ها به مدد تفسیرهای نادرست خود از این کتاب آسمانی، سود مالی کلانی به دست می‌آوردند و ترجمه صحیح این کتاب دینی به نفع آنان نبود. نتیجه این امر آن شد که تاکنون تنها پنج ترجمه قرآن به زبان روسی وجود دارد. در ترکیه نیز ترجمه قرآن با برخورد شدید همراه بود و قرآن منبع دستیابی به سود مالی و دستاویزی

برای تأثیر روانی و سیاسی بر مسلمانان ترک زبان به شمار می‌رفت؛ برای نمونه می‌توان از حاج زین العابدین تقی یف نام برد که مجبور شد برای ترجمه و چاپ قرآن در بغداد، حکم رسمی اخذ کند (Ibid: 47).

امروزه با پیشرفت بسیار سریع در تمام زمینه‌های علمی، فنی، تکنولوژی، پزشکی و غیره نیاز به ترجمه به یکی از نیازهای اساسی بشر بدل شده‌است. اشتولتسه معتقد است: «تا زمانی که انسان‌ها به زبان‌های گوناگون تکلم می‌کنند، ترجمه نیز به منزله تلاشی برای رفع موانع زبانی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود» (حقانی، ۱۳۸۶: ۱۹).

در ترجمه از زبانی به زبان دیگر و در هر متن، اعم از علمی و فنی، ادبی، دینی و مذهبی، سیاسی، اجتماعی و غیره مترجم با دو زبان، یعنی زبان مبدأ و مقصد سروکار دارد. هرچه این دو زبان از نظر ساختار به یکدیگر نزدیکتر باشند و گویشوران این دو زبان از نظر فرهنگی بیشتر به یکدیگر شبیه باشند، ترجمه روان‌تر و با موانع کمتری صورت می‌پذیرد و برعکس.

صاحب‌نظران در میان انواع ترجمه، ترجمه ادبی را به عنوان مشکل‌ترین و پیچیده‌ترین نوع ترجمه برشمرده‌اند؛ چراکه در ترجمه ادبی علاوه بر محتوای متن با عواملی چون عاطفه، خیال و صنایع بدیعی و لفظی گوناگونی روبه‌رو می‌شویم، حال اگر در ترجمه با زبان عربی و مهم‌تر از آن با قرآن که در فصاحت و بلاغت و نیز آهنگین و موزون بودن سرآمد تمام متون عربی است، سروکار داشته باشیم، عمل ترجمه بسیار مشکل‌تر خواهد بود.

برخورد با ترجمه‌ناپذیرها یکی از مشکلاتی است که هر مترجم در طول فعالیت حرفه‌ای خود ناگزیر با آن دست و پنجه نرم می‌کند. همان گونه که در مقدمه گفته شد، ترجمه‌ناپذیری بر دو نوع است: ترجمه‌ناپذیری کلان (اصطلاح دکتر محمد علی مختاری اردکانی در کتاب *هفده گفتار در اصول، روش و نقد ترجمه*) که طرفداران نظریه نسبیّت زبانی (Linguistic Relativism) همانند سایپر، وورف و هومبولت به آن معتقد بودند و

ترجمه‌ناپذیری خُرد (اصطلاح مختاری اردکانی در کتاب *هفده گفتار در اصول، روش و نقد ترجمه*) که مخالفان نظریهٔ نسبیّت زبانی به آن باور دارند.

در نظریهٔ ترجمه‌پذیری یا ترجمه‌ناپذیری خُرد، این نکته ضروری است که زبان‌ها در عین ترجمه‌پذیری ممکن است ابزار لازم برای بیان مسائل یکدیگر را داشته باشند؛ چراکه در بسیاری از موارد به کلمات یا به مفاهیمی برمی‌خوریم که در زبان دیگر وجود ندارند که این‌ها همان ترجمه‌ناپذیرها هستند. ترجمه‌ناپذیرها ممکن است صرفاً زبانی و یا فرهنگی باشند. اهل فن، ترجمه‌ناپذیرهای زبانی را در چند دسته جای می‌دهند که «تغییرناپذیرها» یکی از آن‌ها به شمار می‌آید (16: 1980, &).

همانگونه که ذکر آن در پیشینه آمد، در زبان روسی، پژوهش‌هایی در زمینهٔ شناسایی و طبقه‌بندی تغییرناپذیرها انجام شده است که از آن جمله‌اند پژوهش‌های سابالووا و چرنوف. می‌توان گفت نخستین فردی که در یکی از مقاله‌های خود تغییرناپذیرها را از نظر زبان‌شناسی مطالعه کرد، سوپرون و نخستین فردی که تغییرناپذیرها را در ترجمه و برگردان از زبانی به زبان دیگر مورد مطالعه قرار داد، روسلس بود.

در زبان فارسی این مقوله چندان مورد توجه صاحب‌نظران و پژوهشگران قرار نگرفته است، اما مختاری اردکانی در کتاب *هفده گفتار در اصول، روش و نقد ترجمه*، مقاله‌ای را در این زمینه ترجمه کرده‌اند. افرادی مانند وینوگرادوف، ولاخوف و فلورین به طبقه‌بندی تغییرناپذیرها همت گمارده‌اند که در این مقاله طبقه‌بندی وینوگرادوف ملاک کار ما قرار گرفته است. این طبقه‌بندی بدین شرح است (ر.ک؛ وینوگرادوف، ۱۰۴-۱۱۲):

تغییرناپذیرهای مربوط به زندگی روزمره که خود به چند دسته قابل تقسیم هستند:

الف) نام مکان‌ها. ب) البسه. ج) خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها. د) نوع کار و فعالیت. هـ) واحد پول و واحد اندازه‌گیری. و) آلات موسیقی، رقص و ترانه‌های ملی. ح) خطاب.

۲) تغییرناپذیرهای نژادی و اسطوره‌ای:

الف) نژادهای مختلف و مردم متعلق به آن و اعضای آن‌ها. ب) خدایان، موجودات و مکان‌های افسانه‌ای.

۳) تغییرناپذیرهای طبیعت:

الف) جانوران. ب) گیاهان. ج) مناطق جغرافیایی و شهرها.

۴) تغییرناپذیرهای نهادهای حکومتی، اداری و زندگی اجتماعی:

الف) واحدهای اداری و مؤسسات دولتی. ب) تشکیلات اجتماعی یا احزاب و اعضای آن‌ها. ج) تشکیلات صنعتی و تجاری. د) بخش‌های نظامی و انتظامی و کارکنان آن‌ها. هـ) سِمَت‌ها، مشاغل و القاب.

۵) تغییرناپذیری‌های اسمی: این نوع تغییرناپذیرها بیشتر در آثار ادبی به چشم می‌خورند و عبارتند از:

الف) اسامی خاص مربوط به انسان مانند نام و نام خانوادگی. ب) نام مکان‌ها. ج) اسامی قهرمانان داستان‌ها و آثار ادبی. د) نام کمپانی‌ها، موزه‌ها، تئاتر، قصرها، رستوران‌ها، مغازه‌ها و فرودگاه‌ها.

۶) تغییرناپذیرهای اجتماعی:

الف) نمادهای مربوط به گیاهان. ب) نمادهای مربوط به حیوانات. ج) نمادهای مربوط به رنگ‌ها. د) اشارات تاریخی، ادبی و فرهنگ عامیانه. هـ) اشارات زبانی: این‌ها به ضرب‌المثل‌ها، امثال و حکم اشاره دارند.

پس از ارائه طبقه‌بندی تغییرناپذیرها اینک به بررسی تغییرناپذیرها در قرآن می‌پردازیم. تغییرناپذیرها در این کتاب آسمانی در بیشتر موارد مربوط به جانوران و پرندگان، نام مکان‌های جغرافیایی، نام فرشتگان و... است.

می‌توان گفت: «اصطلاح ترجمه به مفهوم دقیق کلمه درباره تغییرناپذیرها اطلاق ندارد. چون قاعدتاً تغییرناپذیرها ترجمه‌ناپذیرند و از راه‌های دیگری جز ترجمه محض

وارد متن مقصد می‌شوند» (مختاری اردکانی، ۱۳۷۶: ۳۵). از این رو، ما در این مقاله به جای واژه ترجمه از برگردان تغییرناپذیرها استفاده می‌کنیم.

اما در برگرداندن تغییرناپذیرها می‌توان از یکی از روش‌های زیر سود جست:

۱- انتقال صوری () : در این روش، مترجم بدون توجه به معنای کلمه، آن را آوانگاری می‌کند که در این صورت، کلمه آوانگاری شده در زبان مقصد هیچ معنایی را به ذهن خواننده متبادر نمی‌کند و انتقال محض صورت گرفته است، علاوه بر اینکه رنگ و بوی بومی و محلی تغییرناپذیر مورد نظر نیز به طور کلی از بین می‌رود. به عقیده نگارنده، نباید بیش از حد از این روش استفاده کرد؛ چراکه کلمات بیگانه به زبان راه می‌یابند. بنابراین، مترجم تنها در صورتی مجاز به استفاده از این روش است که هیچ راه ترجمه‌ای نباشد. مثال: که در ترجمه، «مسکو» نوشته می‌شود.

انتقال صوری به همراه توضیح در پاورقی نیز روشی است که معمولاً مترجمان از آن سود می‌جویند. استفاده از این روش برای متونی که تعداد تغییرناپذیرهای به کار رفته در آن‌ها اندک باشد، مناسب است، اما توجه به این نکته ضروری است که اگر تعداد این کلمات در متن مبدأ زیاد باشد، به ویژه اگر متن مورد ترجمه یک متن ادبی باشد، مترجم با این کار لذت خواندن را از خواننده می‌گیرد و هر قدر هم این کلمات درست برگردانده شده باشند، باز هم کار مترجم بی‌ارزش خواهد بود؛ چراکه یک ضلع مثلث نویسنده، مترجم، خواننده نادیده گرفته شده است؛ برای مثال، مترجم همان کلمه " را در متن مقصد به صورت "مسکو" نوشته، در پاورقی چنین می‌نویسد: "پایتخت و پرجمعیت‌ترین شهر و واحد فدرالی روسیه. این شهر با جمعیتی بیش از ۱۳ میلیون نفر، بزرگ‌ترین شهر در قاره اروپا و یازدهمین شهر پرجمعیت جهان است."

۳- انتقال به همراه عام‌سازی ()
تغییرناپذیرهای بیانگر اسامی خاص در زبان مبدأ به کمک اسامی عام در زبان

مقصد. در این روش، مترجم بین تغییرناپذیری که در زبان مبدأ دلالت بر گونه یا نوع خاصی از درختان، گیاهان، حیوانات، خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها دارد، با مفهوم عام درخت، حیوان، لباس، خوردنی و آشامیدنی در زبان مقصد رابطه ایجاد می‌نماید و مفاهیم خاص را تبدیل به مفاهیم عام می‌کند و آن‌ها را توضیح می‌دهد؛ برای مثال، مترجم در ترجمه از زبان عربی به فارسی کلمه "شتر" را به عنوان معادل برای کلمه عربی "حام" برمی‌گزیند که به گونه‌ای شتر اشاره دارد و برای عرب‌زبانان قابل درک است. در این روش نیز رنگ و بوی قومی و محلی مفهوم مورد نظر از بین می‌رود.

۴- شبیه‌سازی و جایگزینی () : در این روش، مترجم کلمه نزدیک در زبان مقصد را از روی شباهت‌های ظاهری و کارکردی، جایگزین کلمه تغییرناپذیر مبدأ می‌کند. در این روش نیز رنگ و بوی بومی و محلی از بین می‌رود، اما خواننده معنای کلی را درمی‌یابد. معمولاً برای برگردان نام غذاها می‌توان از این روش سود جست؛ مثلاً " را می‌توان به صورت "سوپ" ترجمه کرد.

۵- گرده برداری () : ترجمه قرضی عبارت است از ترجمه جزء به جزء کلمه تغییرناپذیر. و لاخوف و فلورین این روش را بهترین روش برگردان کلمات تغییرناپذیر می‌دانند؛ برای مثال، کلمه فرانسوی " Pomme de terre" در زبان فارسی به "سیب‌زمینی" برگردانده شده است؛ یعنی واژه‌های تشکیل‌دهنده آن را در زبان مبدأ (سیب و زمین) در زبان مقصد جایگزین کردند.

۶- ترجمه نیمه قرضی () : در این روش، نیمی از کلمه‌ای که به زبان مقصد برگردانده شده، متعلق به زبان مقصد و نیمه دیگر از زبان مبدأ است.

۷- ساختن نوواژه () : گاهی مترجم در برگردان واژگان تغییرناپذیر از این روش استفاده می‌کند و واژه جدیدی به فهرست واژگان زبانش می‌افزاید؛ مانند فینگیلیش (فارسی را با حروف انگلیسی نوشتن).

۸- استفاده از وام واژه () : این روش بیشتر در برگردان تغییرناپذیرهای بین‌المللی که برای همگان قابل درک هستند، استفاده می‌شود. این کلمات نیازی به توضیح بیشتری ندارند؛ مثلاً می‌توان به واژه‌های "کامپیوتر" یا "پرینتر" اشاره کرد.

۹- تفسیر و توضیح: در این روش، مترجم برای رساندن مفهوم به توضیح و تفسیر کلمه تغییرناپذیر می‌پردازد» (اسکندری و سعیدی، ۱۳۹۴: ۶۷).

مترجم با انتخاب هر یک از روش‌های فوق، درصدی از محتوای متن مبدأ را می‌کاهد و یا درصدی به این محتوا می‌افزاید، ولی به هر حال، انتخاب بهترین روش ترجمه بر عهده و به تشخیص مترجم است. شایسته ذکر اینکه ما در این مقاله از ترجمه المیر رافائل اوقلی کولی‌یف استفاده کرده‌ایم.

اکنون به بررسی تغییرناپذیرها در قرآن می‌پردازیم. دانستن این نکته ضروری است که بیشتر تغییرناپذیرها در قرآن مربوط به نام مکان‌هاست که تعدادی از آیات مربوط به این حوزه و شیوه برگردان آن‌ها را در زیر بررسی خواهیم کرد. سپس به تغییرناپذیرهای طبیعت (جانوران و پرندگان) خواهیم پرداخت. شایسته ذکر است که در تمام موارد کلمه مورد نظر در ترجمه روسی به صورت مورّب و پررنگ نمایش داده شده‌است:

○ مکه

نام مکه تنها یک بار به کار رفته‌است؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا﴾ (الفتح/۲۴).

□

e eee

○ مدینه

نام مدینه گاهی به معنای عام «شهر» و گاهی در معنای «شهر مدینه» در قرآن به کار رفته است. در معنای دوم که مراد ماست، می توان به آیه زیر اشاره کرد:

﴿ مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنِ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يُرْعَبُوا بِأَنفُسِهِمْ... ﴾ (التوبه / ۱۲۰).



ee дыты

...

○ مسجد الحرام

این نام در قرآن در ۱۵ آیه به کار رفته است که برای نمونه می توان به آیه ۱۴۴ سوره بقره اشاره کرد که می فرماید: ﴿ قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴾ (البقره / ۱۴۴).



keeee ,

○ بدر

نام مکانی است نزدیک مدینه که جنگ بدر در این مکان به وقوع پیوست. این نام در سوره آل عمران آمده است که می فرماید: ﴿ وَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴾ (آل عمران / ۱۲۳). در ترجمه روسی آیه می خوانیم:



Bddee,

فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ ﴿٦٤﴾ (هود / ۶۴). در ترجمه روسی آیه نیز می‌خوانیم:

□ **aaaaaaaaaaaa** !
«.

«جمل» به معنای «شتر نر» است، گرچه جوهری در صحاح‌اللمغه این کلمه را در معنای مطلق شتر آورده‌است (ر.ک؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۱۶۶۱). خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ﴾ (الأعراف / ۴۰). در ترجمه روسی این آیه چنین می‌خوانیم:

□ **oooooooooooo**

در قاموس قرآن، کلمه «ابل» به معنای «مطلق شتر» است، اعم از نر و ماده و از هر جنس که باشد و لفظ آن مفرد است و دلالت بر جنس دارد (ر.ک؛ قرشی، ج ۱: ۱۹). خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْآبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ﴾ (الغاشیه / ۱۷).

در ترجمه این آیه می‌خوانیم:

□ **bbbbbbbbbbbb**

«بعیر» در لغت به معنای «مطلق شتر» است، اعم از نر و ماده یا بزرگ و کوچک. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قَالُوا نَفَقْدُ صَوَاحِ الْمَلِكِ وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ﴾ (یوسف / ۷۲). در ترجمه آیه می‌خوانیم:

□ **nnnnnnnnnnnn** و :

درباره معنای واژه «هیم» چنین آمده است: «هیم (ع ص، ا، ج. اهیم (اقرب الموارد)، شتران تشنه» (صفی پوری شیرازی، ۱۳۹۳، ج ۲: ذیل واژه). قرآن کریم می فرماید: ﴿فَشَارِبُونَ شَرْبَ الْهِيمِ﴾ (الواقعه / ۵۶). در ترجمه آیه می خوانیم:

□

b1b1b1b1b1b1b1b1b1

در فرهنگ واژگان قرآن ذیل کلمه «عشراء» آمده است:

«شتران حامله ای که ده ماه از حمل آنان می گذرد؛ کنایه از اموال نفیس و گران بها (جمع عشراء است و عشراء به معنای ماده شتر حامله ای است که ده ماه از حمل آن گذشته باشد و همچنان عسرا می نامند تا وقتی که بچه اش را بزاید و چه بسا که بعد از زاییدن هم آن را عشراء بخوانند، چون چنین شتری از نفیس ترین اموال عرب به شمار می رود و معنای تعطیل شدن عشراء این است که در آن روز عرب چنین مال نفیسی را رها می کند و هیچ چوپان و دشتبانی که آن را حفظ کند، بر آن نمی گمارد و گویا در این جمله اشاره ای بطور کنایه به این معنا باشد که همین اموال نفیسی که مردم در دنیا بر سر آن پنجه به روی هم می کشند، آن روز بی صاحب می ماند، کسی نیست که از آن ها استفاده کند، برای اینکه مردم آن روز آن قدر به خود مشغول هستند که از هیچ چیز دیگری یاد نمی کنند، همچنان که در جای دیگر فرمود: ﴿لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ﴾ (قمی، ۱۳۸۵: ۳۴۲).

قرآن کریم می فرماید: ﴿وَإِذَا الْعِشْرَاءُ غَطَّتْ﴾ (التکویر/ ۴). در ترجمه این آیه می خوانیم:

□

b1b1b1b1b1b1b1b1b1

در آیه ۱۰۳ سوره مائده به نام سه شتر اشاره شده که عبارتند از «بحیره»، «سائبه» و «حام». در تفسیر المیزان آمد است:

«اما "بحیره" ماده شتری است که پنج شکم زاییده باشد و شکم پنجم آن نر باشد و گوش های این بچه شتر را پاره کرده، شکاف فراخی به آن می دادند و بر

این کلمه نیز که در ترجمه روسی به صورت درشت و برجسته نمایش داده شده است، تغییرناپذیر به شمار می آید.

از میان پرندگان که نام آن‌ها در قرآن آمده است و جزء تغییرناپذیرها به شمار می آیند، می توان به پرنده ای به نام «سلوی» اشاره کرد. به عقیده برخی از مفسران، «سلوی در لغت و در اصل به معنای تسلی و آرامش است»، اما در تفسیر نور (ر.ک؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۳: ۳۸۲) و تفسیر نمونه (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۶۵)، این کلمه به «نوعی پرنده» برگردانده شده است. نام این پرنده در آیات ۵۷ سوره بقره، ۸۰ سوره طه و ۱۶۰ سوره اعراف آمده است. خداوند در آیه ۵۷ سوره بقره می فرماید: ﴿وَضَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّٰنَ وَالسَّلْوٰی كُلُّوْا مِنْ طَیِّبٰتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ مَا ظَلَمُوْنَا وَ لٰكِنْ كَانُوْا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ﴾ (البقره/۵۷). در ترجمه روسی این آیه می خوانیم:

□ 6666666666 :
و . ۵ .

همچنین، در آیه ۸۰ سوره طه می فرماید: ﴿يٰۤاِبْنٰٓىۤ اِسْرٰٓءِیْلَ قَدْ اُنۢجَيْنٰکُمْ مِّنۢ مَُّٔدُوِّکُمْ وَ وَاَعَدْنَا لَکُمْ جَانِبَ الطُّوْرِ الْاَيْمٰنِ وَ نَزَّلْنَا عَلَیْکُمُ الْمَنَّٰنَ وَ السَّلْوٰی﴾. در ترجمه روسی آیه می خوانیم:

□ ()!
شوربشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
6666666666 .

یا در آیه ۱۶۰ سوره اعراف می فرماید: ﴿وَ قَطَعْنَا لَهُمْ اَنْتَنٰی عَشْرَةَ اَسْبَاطًا اَمَمًا وَ اَوْحَيْنَا اِلٰی مُوسٰی اِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهٗ اَنْ اَضْرِبَ بِعَصَاکَ الْحَجَرَ فَانۢجَسَتْ مِنْهُ اِثْنَتَا عَشْرَةَ عِیْنًا قَدْ عَلِمَ کُلُّ اَنَاسٍ مَّشْرَبُهُمْ وَ ظَلَّلْنَا عَلَیْهِمُ الْغَمَامَ وَ اَنْزَلْنَا عَلَیْهِمُ الْمَنَّٰنَ وَ السَّلْوٰی كُلُّوْا مِنْ طَیِّبٰتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ مَا ظَلَمُوْنَا وَ لٰكِنْ كَانُوْا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ﴾. در ترجمه روسی این آیه می خوانیم:

□ و : ()
۵ .

و : ۶۶۶۶۶۶۶۶

پرنده دیگری که نام آن تنها یک بار در قرآن کریم آمده، «ابابیل» است. نام این پرنده در سوره فیل به کار رفته است که می‌فرماید: ﴿وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ﴾ (الفیل/۳) که در ترجمه آن می‌خوانیم:

□ *m uu* ?

در تفسیر نور (ر.ک؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰: ۵۹۵) و تفسیر نمونه (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۲۷: ۳۳۰) آمده است که «ابابیل» برخلاف آنچه در میان مردم مشهور شده، نام پرنده خاصی نیست و به معنی «گروه گروه» است؛ یعنی خداوند پرندگان را گروه گروه بر سر آنان فرستاده است. در تفسیر المیزان که ما در این آیه به آن استناد می‌کنیم، «ابابیل» نام نوعی پرنده ذکر شده است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۶۰، ج ۲۰: ۶۲۴).

نتیجه گیری

با توجه به معانی مذکور برای واژه‌های تغییرناپذیری که ذکر آن‌ها در بالا آمد و با در نظر گرفتن ترجمه روسی این واژه‌ها می‌توان به این نتایج کلی دست یافت:

- مترجم در برخی آیات از ترجمه صوری صرف برای برگردان تغییرناپذیرها استفاده و به آن بسنده کرده است و در پاورقی و یا جای دیگری از این ترجمه، معنا و یا توضیحی درباره این کلمات به چشم نمی‌خورد که موارد ۱، ۲، ۴، ۵، ۷، ۸، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ از آن جمله است.

- همان گونه که در تقسیم‌بندی روش‌های برگردان تغییرناپذیرها گفته شد، انتقال صوری درصد بسیار بالایی از محتوای کلمه زبان مبدأ را از بین می‌برد؛ چراکه خواننده زبان مقصد با واقعیت‌هایی که در زبان مبدأ وجود دارد، بیگانه است و عملاً از ترجمه

چیزی نخواهد فهمید. برای رفع این نقص، مترجم می‌توانست دست کم از توضیح در پاورقی استفاده کند.

- مترجم در پاره‌ای از موارد برای برگردان اسامی خاص حیوانات و پرندگان از اسامی عام سود جسته است؛ به عبارت دیگر، هنگام برخورد با نام پرنده‌ای به نام «ابابیل» (ذیل مورد ۲۰، توضیحات مختصری درباره این کلمه و آرای مفسران آمده است)، از اسم عام یعنی «پرنده» استفاده کرده است و به توضیح اینکه کدام پرنده مقصود بوده، نپرداخته است. این روش به طور خاص درباره یک پرنده با نام «ابابیل» به کار گرفته شده که در مورد ۲۰ بررسی شده است و مشکل چندانی را به وجود نمی‌آورد. مشکل اصلی در این روش زمانی رخ می‌نماید که خواننده با یکی از نام‌های شتر که در زبان عربی فراوان به چشم می‌خورد، مواجه می‌شود. همان گونه که ذکر شد، تعدادی از نام‌های شتران که در قرآن از آن‌ها استفاده شده است، عبارتند از «ناقه»، «جمل»، «بحیره»، «سائبه»، «حام»، «ابل»، «هیم» و «عشار». مترجم در برگردان این کلمات از همان کلمه مشترک بین تمام انواع شتر، یعنی خود «شتر» استفاده کرده است. این نوع برگردان در موارد ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ (که همگی واژگانی هستند که به انواع شتر اشاره دارند)، به چشم می‌خورد.

در این مورد خاص (شتر) مشاهده می‌شود که مترجم به علت آشنایی با جنس دستوری مؤنث، مذکر و خنثی در زبان روسی، در برگردان کلمه «ناقه» و «عشار» که به شتر مؤنث اشاره دارند، از کلمه شتر مؤنث در زبان روسی استفاده کرده است که در مورد ۹ و ۱۴ به آن‌ها برمی‌خوریم.

- همان گونه که در متن مقاله اشاره شد، در تفسیر المیزان، ذیل واژگان «بحیره» و «حام» به مؤنث بودن این دو نوع شتر اشاره شده است، ولی به دلایلی که بر ما پوشیده است و ممکن است بی‌اطلاعی مترجم از این مسئله در آن دخیل باشد، این دو واژه به شکل شتر مذکر یا مؤنث به زبان روسی برگردانده نشده‌اند، حتی از اسم عام «شتر» هم برای آن‌ها استفاده نشده است، بلکه مترجم به انتقال صوری و آوانگاری این دو کلمه بسنده کرده است.

- نداشتن رویه یکسان در برخورد با تغییرناپذیرها غیر عادی و عجیب می‌نماید. مترجم در ترجمه مورد ۱۵، ۱۶، ۱۷ (درباره شتر) و ۱۸ (درباره گوسفند)، همانند مورد اول (نام مکان‌ها) به برگردان صوری صرف پرداخته‌است و به آن بدون توضیح در پاورقی و در اختیار گذاشتن اطلاعات زمینه‌ای اکتفا کرده‌است.

- از نظر نگارنده، اگر مترجم در برگردان اسامی انواع شتر از همان روش عام‌سازی به همراه در نظر گرفتن جنس شتر اکتفا می‌کرد، حاصل ترجمه او پذیرفتنی‌تر بود؛ چراکه گرچه در برگردان تغییرناپذیرها درصدی از محتوا از بین می‌رود و مترجم در هر حال باید بکوشد محتوای متن مبدأ را با کمترین تحریف و از بین رفتن به خواننده زبان مقصد منتقل کند که این امر در ترجمه متون دینی، به‌ویژه قرآن بسیار بیش از دیگر متون حایز اهمیت است، پس اگر برای جنس ماده شتر از کلمه روسی «شتر ماده» و برای جنس نر از کلمه روسی «شتر نر» استفاده می‌شد، درصد کمتری از محتوا از بین می‌رفت.

- مواردی در ترجمه به چشم می‌خورد که مترجم به هر دلیل متوجه معنای اصلی کلمه مورد نظر نشده‌است و کلمه‌ای دیگر را جایگزین کلمه اصلی کرده‌است که موارد ۳، ۶ و ۱۹ از جمله آن‌هاست. در مورد ۳، کلمه «مسجدالحرام» به «قبله» برگردانده شده‌است. درست است که مسجدالحرام قبله گاه مسلمانان است، اما برای خواننده روس‌زبانی که با این مفاهیم آشنایی ندارد، بهتر بود از ترجمه صوری با توضیح در پاورقی استفاده می‌شد.

- پیش از این اشاره شد که اگر تعداد پاورقی‌ها در متن مقصد زیاد باشد، به‌ویژه اگر متن مورد ترجمه یک متن ادبی باشد، مترجم با این کار لذت خواندن را از خواننده می‌گیرد، ولی با توجه به اینکه قرآن کتابی آسمانی و به زبان عربی است و سرشار از نام‌هایی است که برای تازه‌مسلمانان و یا حتی مسلمانانی که آشنایی چندانی با زبان عربی ندارند، تازگی و غرابت دارد و با توجه به اینکه فهم دقیق این کتاب دینی برای تمام مسلمانان، اعم از تازه‌مسلمان و کسانی که مدت‌هاست به دین اسلام گرویده‌اند، بسیار حائز اهمیت است، در بسیاری از موارد نیازمند است توضیحاتی در باب معنای کلمه‌ای در پاورقی آورده شود تا به کنه مطلب پی برده شود و استفاده از این ابزار - آوردن

توضیحات در پاورقی - لاقل در باب قرآن با توجه به حساسیت بیان و انتقال مفاهیم آسمانی آن ضروری است.

- در مورد ۶، فرشته «روح» به «جبرئیل» برگردانده شده است و برگرفته از عقیده برخی نسبت به یکی بودن این دو فرشته است. اما چنانچه ذکر آن در بالا آمد، در تفسیر قمی درباره این فرشته چنین می‌خوانیم: «روح، فرشته‌ای است برتر از جبرئیل، میکائیل و او با رسول الله همراه بود و با امامان نیز همراه است: الروح ملك أعظم من جبرئیل و میکائیل و كان مع رسول الله و هو مع الأئمة عليهم السلام» (قمی، ۱۳۶۳: ۴۰۲).

در مورد ۱۹، با نام پرنده‌ای به نام «سلوی» مواجه هستیم. مترجم این کلمه را به «برگردانده است، اما بین این دو پرنده تفاوت وجود دارد.»

همان گونه که در مقدمه اشاره شد، انتظار می‌رفت مترجم به دلیل نداشتن آشنایی کامل با زبان عربی در انتقال آن‌ها بیشتر از دو روش عام‌سازی و انتقال صوری سودجسته باشد. در پایان، بار دیگر یادآور می‌شویم که اگر مترجم پیش از پرداختن به عمل خطیر ترجمه قرآن با انواع تغییرناپذیرها و روش‌های مواجهه با آن‌ها در ترجمه آشنا می‌شد، درصد این انحرافات از زبان مبدأ و اشتباه‌ها در ترجمه به میزان چشمگیری پایین می‌آمد که این امر مؤید لزوم آشنایی با تغییرناپذیرهاست.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- اسکندری، مهنوش و علی سعیدی. (۱۳۹۴). «ترجمه‌ناپذیرهای فرهنگی: طبقه‌بندی و روش‌های ترجمه». *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی جستارهای ادبی، زبان و ارتباطات فرهنگی*. بوشهر: دانشگاه خلیج فارس. صص ۶۵-۷۵.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶). *صاحح اللغة*. ج ۴. بیروت - لبنان: دارالعلم.
- حدادی، محمود. (۱۳۸۴). *مبانی ترجمه*. تهران: رهنما.
- حقانی، نادر. (۱۳۸۶). *نظرها و نظریه‌های ترجمه*. تهران: امیرکبیر.

